

نقش برنامه ریزی آموزشی در تحقق برنامه های توسعه ملی با تاکید بر نظام آموزشی

مسلم چرابین

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران

Moslemch2015@Gmail.com

جواد دیهیم

دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران

Javad.Deihim@Gmail.com

چکیده

با ورود به هزاره سوم، نظام های آموزشی نقش بسیار مهمی را در تربیت و پرورش نیروی انسانی و رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشورها ایفا می کنند. بر این اساس یکی از راه‌هایی که می‌توان به وسیله آن به تحقق توسعه امیدوار بود، برنامه‌ریزی‌های آموزشی صحیح و اصولی منابع و به ویژه منابع انسانی هر کشور و استفاده بهینه از آنهاست. با عنایت به این حقیقت که اصلی‌ترین محور توسعه، انسان و اولین گام در امر توسعه، تشکیل سرمایه انسانی است. از این رو سرمایه‌گذاری در نظام آموزشی به مثابه یک راهبرد تعیین‌کننده نقش قابل توجهی در فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع ایفا می‌کند. از این رو امروزه با پیوند ناگسستنی برنامه ریزی آموزشی و برنامه های توسعه مواجه هستیم. این پژوهش یک مطالعه توصیفی — تحلیلی است که هدف آن بررسی نقش برنامه ریزی آموزشی در تحقق برنامه های توسعه ملی می باشد. نتایج نشان داد که برای ایجاد انسجام سیستم نظام آموزشی و برنامه های توسعه ملی باید مؤلفه های توسعه را با برنامه های نظام آموزشی تلفیق کرد تا با برقراری یک توازن و هماهنگی بین مؤلفه های مختلف آن بسترهای لازم برای حرکت در مسیر توسعه فراهم آید.

کلمات کلیدی: برنامه ریزی، برنامه ریزی آموزشی، توسعه، برنامه ، نظام آموزشی.

۱. مقدمه

انفجار اطلاعات، توسعه ارتباطات، تغییرات بنیادین فرهنگی، جوامع انسانی را در معرض تحول سریعی قرار داده است این تحولات بدون شک در جهت گیری ها و کاربردهای نظام های آموزشی نظیر آموزش و پرورش و آموزش عالی و محیط های آن تأثیر می گذارند و تغییرات در شکل و ساختار آن ها پدید می آورند. نظام های آموزشی همواره باید از پویایی، تحرک و قابلیت انعطاف برخوردار باشد. در جامعه ای که همواره در حال تغییر است نظام آموزشی ایستایی که به آموزش های یکنواخت رسمی و تکراری به سبک سنتی و تولید انبوه فارغ التحصیلان غیرماهر و غیرحرفه ای می پردازد، نمی تواند نقش خود را در نیل به توسعه جامعه ایفا کند. (اخباری آزاد، ۱۳۸۸، ص ۱۵-۱۴) و برنامه ریزی آموزشی به عنوان کلید طلایی رفع مشکلات و مؤثرترین دارو برای جلوگیری از درهم ریختگی ها و بی نظمی های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی بر این دوران حکومت می کند. زیرا سرعت تغییرات گوناگون اجتماعی و افراد بسیاری که در جریان این دگرگونی ها قرار می گیرند، تخصص های متفاوت، فرصت های مختصر و امکانات زمانی کوتاه هیچکدام دیگر اجازه نمی دهند که تجربه های از پیش نیاندیشیده و ناآگاهانه، باز هم با زندگی مردم بازی کنند. در این میان شانس و تصادف بیشترین سهم را داشته باشد. برنامه ریزی به خصوص در این مورد از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا نیازهای آموزشی با نیازهای آموزشی شهروندان نسل حال و آینده سروکار دارد، با نسل انعطاف پذیری که با هر تدبیر به گونه های رشد کرده و تأثیر خود را در میان مدت یا حتی در بلندمدت نمایان خواهد کرد. (موسوی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۳)

برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، الگوی تغییرات و تحولات اقتصادی و اجتماعی کشور را در سال های اجرای آن تصویر می کنند. در همین راستا برنامه ریزی، فرایند تفکر درباره مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی است؛ جهت گیری و آینده نگری دارای اهداف و خط مشی های مشخص است. برنامه ریزی برای توسعه امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. توسعه مجموعه ای از تحولات فکری، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که به گسترش توانایی ها و ظرفیت های کلی یک جامعه در همه ابعاد منجر می شود. لذا توسعه فرایندی پیچیده و چند بعدی است که به دست انسان و برای انسان صورت می گیرد و همه جنبه های زندگی فردی و اجتماعی وی را شامل می شود و ناظر بر بهبود همه جانبه زندگی بشر است. به نظر تودارو^۱ توسعه، جریانی چند بعدی (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) است که در حرکت پیش رونده خود کاهش فقر، بیکاری، نابرابری و نیز صنعتی شدن هر چه بیشتر، ارتباطات بهتر، ایجاد نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت و افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی جاری را در پی دارد. (نوروززاده و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۸۶)

بر این اساس یکی از راههایی که می توان به وسیله آن به تحقق توسعه امیدوار بود، برنامه ریزی های آموزشی صحیح و اصولی منابع و به ویژه منابع انسانی هر کشور و استفاده بهینه از آنهاست. با عنایت به این حقیقت که اصلی ترین محور توسعه، انسان و اولین گام در امر توسعه، تشکیل سرمایه انسانی است. از این رو منابع انسانی کیفی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هر کشور نه تنها اهمیت زیادی دارد بلکه، بیش از حد تأکید می شود. هیچ کشوری شناخته شده نیست که به قدرت اقتصادی بزرگ و یا پیشرفت فن آوری بدون نیاز به یک منبع کیفی انسان دست یافته باشد. (Kayode et al, 2012, 1) سرمایه گذاری در نظام آموزشی به خصوص آموزش عالی به مثابه یک راهبرد تعیین کننده نقش قابل توجهی در فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع ایفا می کند. به طوری که امروزه تغییر و تحول در شاخص های توسعه جوامع همبستگی مستقیمی با میزان سرمایه انسانی پیدا کرده است. (دارابی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۱۰)

به زعم بسیاری از صاحب نظران، موسسات آموزش عالی و دانشگاه ها نقش بسیار مهمی را در تربیت و پرورش نیروی انسانی و رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشورها ایفا می کنند. آلت باخ^۲ (۱۹۸۷) در مروری بر مسائل آموزش عالی در کشورهای جهان سوم چنین عنوان می کند که "آموزش عالی در جهان سوم، نهاد بسیار مهمی را تشکیل می دهد، نه تنها به لحاظ

¹ Michael Todaro

² Altbach

اینکه تربیت نخبگان را بر عهده دارد و مبنایی را برای جامعه ای برخوردار از تکنولوژی مهیا می سازد، بلکه از این منظر که مهمترین نهاد فکری است که تاثیر بسیار گسترده ای بر فرهنگ، امور سیاسی و اقتصادی و دارد". (سلطانی، ۱۳۹۰، ص ۶)

ویلاهان و کارتر^۳ (2001) اظهار داشته اند که آموزش عالی باید طوری چیدمان شود که با آموزش های گسترده تر مبتنی بر صلاحیت، دانشجویان را برای پاسخگویی به توسعه های اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیکی به سرعت در حال تغییر، مجهز کند. در حقیقت نیاز به بررسی مداوم وضعیت برنامه های آموزش عالی جهت انطباق با نیازهای دانشجویان، شرایط جامعه و دانش روز امری بدیهی محسوب می گردد. در اهمیت موضوع «الوین تافلر»^۴ تاکید می کند در پیکار اقتصادی قرن بیست و یکم ساز و کارهایی چون پژوهش های علمی و تکنولوژیکی، آموزش نیروی کار، نرم افزار پیشرفته، مدیریت و برنامه ریزی هوشمندانه تر، ارتباط پیشرفته نظام های الکترونیکی و مهمتر از همه سازماندهی خود دانایی، تکلیف کشور را روشن خواهد کرد. (بحرینی بروجنی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۶)

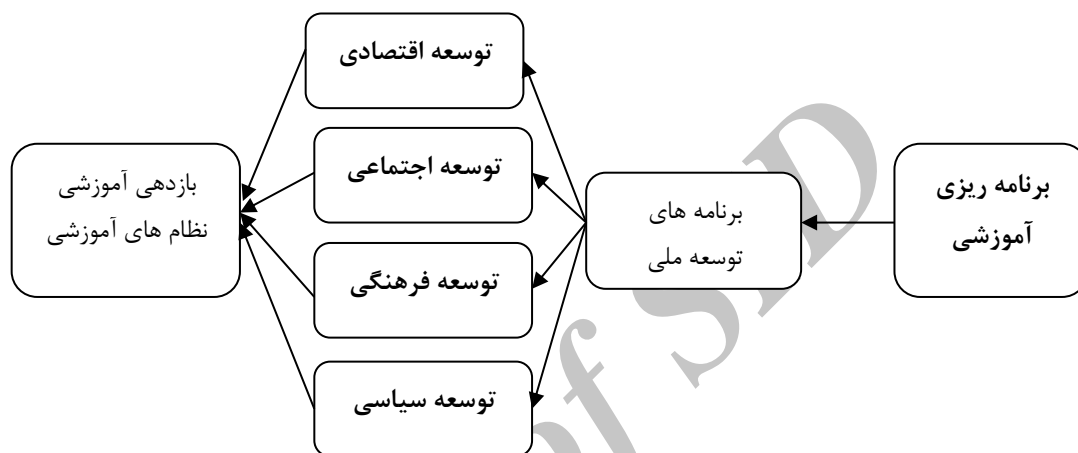
مطالعات دینسون^۵ به نقل از کاظمی نشان داد که تنها، افزایش نیروی کار و سرمایه فیزیکی نمی تواند افزایش تولید ملی را تبیین کند و نتیجه گرفت که افزایش سطح آموزش نیروی کار باعث ۲۳ درصد افزایش در نرخ سالانه رشد تولید ناخالص ملی در آمریکا در فاصله سالهای ۱۹۳۰ تا ۱۹۶۰ شده است. دینسون همین مطالعه را در مورد کشورهای اروپایی نیز بکار گرفت و به همین نتیجه رسید. (کاظمی، ۱۳۹۰، ص ۵)

ترک زاده (۱۳۸۳) در پژوهشی در زمینه پنداره اساسی کارشناسان برنامه ریزی آموزشی، پنداره مفهومی عاملان برنامه ریزی درباره برنامه ریزی آموزشی را دارای اثری تعیین کننده بر شالوده، طرح و حتی به نوعی محتوای برنامه دانسته است. یافته پژوهش حاضر مبنی بر ضعف این بعد مهم در دانشگاه های قلمرو پژوهش و یافته ترک زاده (۱۳۸۵) مبنی بر ضعف بعد مفهومی توسعه سازمانی دانشگاه در برخی دانشگاه های دولتی نشان از وجود و به نوعی استمرار این ضعف اساسی در دانشگاه ها دارد. (یمینی دوزی سرخابی و ترک زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۵)

اکبرپور شیرازی (۱۳۸۸) بیان می کند که برنامه های توسعه رکنی اساسی برای دستیابی به اهداف ملی و اثربخشی فعالیت های مدیریت عالی کشور است با محور قرار گرفتن فرایند برنامه ریزی و تدوین برنامه های منتج از آن، امکان پیگیری مستمر اهداف کلان برای رسیدن به چشم انداز مطلوب فراهم می گردد. پس از تدوین چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی و اعلام محورها و الزامات برخاسته از چشم انداز نظام برنامه ریزی در کشور مبتنی بر رویکرد راهبردی (استراتژیک) توسعه یافته است. اکبرپور شیرازی در مقاله خود به موضوع برنامه ریزی توسعه کشور از دیدگاه طراحی منظر تطبیق پرداخت. منظر تطبیق بخشی از نظریه سیستمهای پیچیده تطبیقی است رسیدن وضعیت مطلوب از وضع موجود در یک افق بلند مدت مستلزم داشتن برنامه های میان مدت است که حصول وضع مطلوب را میسر سازند.

امروزه استقرا پویا و تداوم مطلوب نهاد ها و موسسات آموزشی شدیداً متأثر از چگونگی و کیفیت برنامه ریزی آموزشی است. از این رو، برای برنامه ریزان آموزشی، آگاهی از مسایل، مشکلات و مسایل سازمان، نقش حیاتی دارد؛ زیرا شکل دهی مطلوب هدف های آموزشی، مستلزم توجه همه جانبه به چشم انداز آینده، انتظارات، امکانات و مسائل سازمان است. به عبارت دیگر، برنامه باید به نحوی طراحی شود که فراگیران به طور مستمر از وقوع تغییرات و شرایط جدید آگاهی داشته باشند. این آمادگی جز با تبیین آینده سازمان فراهم نمی شود. از این رو برنامه ریزان باید همواره از هو شیاری و آینده نگری بالایی در کار خویش برخوردار باشند. تمام نظام های آموزشی، از تصور ما نسبت به آینده مایه می گیرد.

با توجه به اهمیت شناخت برنامه ریزی آموزشی در نظام آموزشی (آموزش عالی) و توسعه ملی، پرسشی اساسی مورد نظر این تحقیق این بوده است که: برنامه ریزی آموزشی در تحقق برنامه‌های توسعه ملی چه نقشی دارد؟ پس این پژوهش بر آن است تا ضمن تعیین پاسخ مناسب برای این پرسش، سازوکاری آن را منطبق با مناسب‌ترین شیوه ارائه نماید.



نمودار ۱: مدل مفهومی تحقیق

۱- مبانی نظری

۱-۲- برنامه ریزی

برنامه ریزی، فرآیند آگاهانه تصمیم‌گیری در مورد اهداف و فعالیت‌های آینده یک فرد، گروه، واحدکاری یا سازمان است و با تعیین اهداف مشخص، مسیر رسیدن به اهداف را پیش‌بینی می‌نماید، لذا برنامه ریزی نیازمند تلاش‌های ذهنی جهت تصور و طراحی و وضعیت مطلوب و پیش‌بینی راهها و مسیرهای نیل به آن می‌باشد، بسیاری برنامه ریزی را جزء مهمترین وظایف مدیران می‌دانند که مانند پلی و وضعیت حال را به وضعیت آینده مرتبط می‌سازد و موجب حداقل سازی عدم اطمینان‌های محیطی می‌گردد و آن را ابزاری جهت کنترل عملکرد مدیران قلمداد می‌نمایند. (امیرشقاقی، ۱۳۹۴، ص ۶) بنابراین، برنامه ریزی، هنر و علم تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیماتی است که مسیر موفقیت سازمان را در نیل به اهداف هموار می‌سازد. برنامه ریزی چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی و عمومی کمک می‌کند که در عرصه بروز تحولات و تغییرات، به شیوه‌ای کارسازتر عمل شود (علامه، ۱۳۸۹، ص ۱۸).

را سخ در کتاب تعلیم و تربیت در جهان امروز برنامه ریزی را تفکر قبل از عمل، ... دورنما سازی، ... مداخله مستقیم در جریان امور برای هدایت نیروهای ملی در جهت نیل به هدف خوانده و آن را چنین تعریف کرده است: طرح تدابیری که به احسن وجه یا مناسب‌ترین صورت، از منابع موجود به جهت نیل به هدف‌های مطلوب استفاده کند. در کتابهای مربوط به برنامه ریزی، اعم از برنامه ریزی اقتصادی، اجتماعی یا آموزشی تعریف‌های گوناگون برای مفهوم برنامه ریزی یافت می‌شود. بطور خلاصه می‌توان گفت که:

- برنامه ریزی، یعنی نقشه کشیدن برای دستیابی به خواسته‌ها.
- برنامه ریزی، راهی است برای هدایت حساب شده فعالیت انسان به سوی منظور مشخص.
- برنامه ریزی، فراگردی است دورنگر برای جهت دادن منطقی به فعالیتهای جمعی.

- برنامه ریزی یعنی نقشه کشیدن برای آینده و پیش بینی راه دستیابی به آن بطوری که در تعاریف برنامه ریزی، جریان و مداومت، ارشاد و هدایت، دورنگری و هدف گیری و تفکر و عقلانیت وجود دارد. (فیوضات، ۱۳۸۸، ص ۱۶)
- کومبز^۶ (۱۹۷۵) برنامه ریزی کاربرد تحلیل عقلانی و نظام یافته در فرایند توسعه آموزش است، با این هدف که عرصه آموزش به گونه موثرتری پاسخ گوی نیازها و آرمان های دانش آموزان، دانشجویان و جامعه باشد. (جعفری و نوروزی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۴)
- برنامه ریزی یک فرایند مدیریتی در جهت استفاده بهینه از زمان و منابع در دستیابی به مجموعه ای از اهداف مشخص و شناخته شده است. (Agabi and Ogah, 2006, 155)

برنامه ریزی خوب، بر مبنای پیش بینی حوادث و رویدادهای آینده، عمل می کند و برنامه هایی تنظیم می کند که بتوان آنها را در شرایط گوناگون، اجرا کرد. بدین ترتیب، یکی از شرایط تدوین برنامه خوب، قدرت پیش بینی و ایجاد ظرفیت انعطاف پذیری در برنامه هاست. (پورعزت، ۱۳۹۴، ص ۴) از جنبه افق زمانی نیز، برنامه ریزی را می توان در قالب برنامه ریزی کوتاه مدت، برنامه ریزی میان مدت و برنامه ریزی بلندمدت دسته بندی کرد. (محمودی و ماجد، ۱۳۹۱، ص ۴۶)

۲-۲ برنامه ریزی آموزشی

از برنامه ریزی آموزشی^۷ تعاریف گوناگونی شده است، که از برداشت های متفاوت صاحب نظران نسبت به مقوله برنامه ریزی آموزشی ناشی می شود. برخی برنامه ریزی آموزشی را آینده نگری و نقشه کشیدن برای آینده نظام آموزشی می دانند. عده ای آن را پیش بینی نیازها و تخمین منابع برای تحقق اهداف از پیش تعیین شده تلقی می کنند. به تعبیر گروه دیگر برنامه ریزی آموزشی، یعنی تصمیم گیری در برابر آینده آموزش و پرورش. در اصطلاح نامه مرکز منابع اطلاعات آموزشی (اریک) آمده است، برنامه ریزی آموزشی یعنی فرآیند تعیین اهداف، روشها، فعالیت ها، منابع و برنامه های موسسات آموزشی. (محسن پور، ۱۳۸۲، ص ۶-۷) سرانجام فیلیپ کومبز^۸، مدیر کل اسبق یونسکو، برنامه ریزی آموزشی را بکار برد روشهای تحلیلی در مورد هر یک از اجزای نظام آموزشی به منظور ایجاد یک نظام آموزشی کار آمد می داند. تعریفی که کومبز در دهه ۱۹۷۰ از برنامه ریزی آموزشی کرده است تا به امروز مورد قبول بسیاری از صاحب نظران است. (محسن پور، ۱۳۸۹، ص ۱۷)

۳-۲ مفهوم توسعه

چگونگی ایجاد توسعه و پیشرفت همواره یکی از سؤال های اساسی و مهم در ایجاد دگرگونی و تحول تکاملی جوامع بوده است. معمولاً وقتی سخن از توسعه و پیشرفت می شود، نوعی پیشرفت و توسعه همه جانبه به ذهن متبادر می شود. بطوریکه می توان گفت توسعه همان افزایش سطح بهره مندی و رفاه، ارتقای امنیت، آزادی، گسترش ارتباطات اجتماعی و امکان تحرک اجتماعی عمودی و افقی معطوف به ارزش های جامعه که در سایه پیشرفت علمی و تکنولوژیک حاصل می شود و دگرگونی تکاملی در نظام آموزشی، آموزش و ساماندهی و مهندسی اقتصادی صنعتی و سیاسی و فرهنگی به وجود می آید. (مظاهری و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۳)

تا کنون تعاریف مختلفی از واژه توسعه مطرح شده است، که از آن جمله می توان به تعاریف زیر اشاره کرد:
گرت نیگل^۹ معتقد است که توسعه، به پیشرفت در چند حوزه اشاره دارد که این حوزه ها شامل موارد زیر است:

- ثبات جمعیتی از قبیل کنترل زاد و ولد و افزایش امید به بقا
- پیشرفت اقتصادی از قبیل رشد در تولید ناخالص داخلی، رشد در میزان درآمد ناخالص ملی یا برابری قدرت خرید

⁶ Philip Coombs
⁷ Educational Planing
⁸ Philip coombs
⁹ garrett nagle

- توانمند سازی اجتماعی از قبیل عدالت در حقوق زنان، بهبود روابط و مشارکت بیشتر در فرایندهای سیاسی
 - توسعه بر بهبود آزادی های فردی، کیفیت زندگی و نظایر اینها نیز تاکید دارد.
 - گولت^{۱۰} نیز سه جزء اساسی را در تعریف توسعه مهم می داند:
 - تامین نیازهای پایه زندگی شامل مسکن، پوشاک، تغذیه و آموزش های اولیه.
 - عزت نفس شامل احساس کرامت و استقلال
 - آزادی شامل توانایی برای انتخاب سرنوشت خود. (اطاعت و شجاعتی نسب، ۱۳۹۲، ص ۱۲)
- استیگلitz^{۱۱} (۱۳۸۰) برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۱ با استفاده از عبارت توسعه همه جانبه، توسعه را یک فرایند انتقال از روابط سنتی، روش های سنتی تفکر و روش های سنتی اقدام در زمینه بهداشت، آموزش و تولید به روش های مدرن می داند. (ظهره وند، ۱۳۸۵، ص ۱۴۹)
- بنابراین، توسعه جریانی است که در خود تجدید سازماندهی، اصلاح سیاست گذاری و تجدید جهت گیری مجموعه نظام اقتصادی- اجتماعی کشور را به همراه دارد و علاوه بر بهبود وضع ها درآمدها و تولید، آشکارا شامل تغییرات بنیادی در ساخت های نهادی، فکری، سیاسی، اجتماعی، اداری و همچنین آداب و رسوم و اعتقادات است بنابراین، توسعه دارای ابعاد مختلف است و در برگیرنده توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی است که بر هم اثر می گذارند. اگر تعریف توسعه تا حدودی پیچیده به نظر می رسد، به دلیل این است که ما در دنیایی پیچیده و به هم وابسته زندگی می کنیم. (شیرزادی و سخایی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۶-۱۸۵)

۲-۴- اهداف توسعه

- با توجه به تحولی که طی بیش از شش دهه در مفهوم توسعه به وجود آمد، امروزه اهداف توسعه عبارتند از:
- ❖ دستیابی به رشد اقتصادی (رشد تولید سرانه جمعیت و در شکل کلان، رشد سالانه تولید ناخالص ملی)
 - ❖ کاهش فقر مطلق (کاهش میزان جمعیتی که پایین تر از سطح استاندارد رفاه از نظر درآمد) یا به عبارت دیگر کم کردن نابرابری یعنی اختلاف درآمد و ثروت میان مردم.
 - ❖ گسترش خدمات اجتماعی همچون دسترسی عمومی به بهداشت، آموزش، ارتباطات و اطلاعات
 - ❖ گسترش دموکراسی و مشارکت اجتماعی به عنوان عامل تحکیم بخش و تضمین کننده توسعه اقتصادی.
- روی هم رفته تمامی موارد فوق هدفی یگانه را دنبال می کنند و آن، جامعه ای است که با تأکید بر انسان، نیازهای مادی و معنوی را به نحو رضایت بخشی تأمین می کند. (شیرزادی، ۱۳۸۹، ص ۳۳-۳۲)

۳- برنامه آموزشی، برنامه ریزی آموزشی و توسعه

برنامه آموزشی طرحی است حاوی سیاست ها، اهداف، راهبردها و برنامه عمل مربوط به توسعه یک نظام یا یک نهاد آموزشی در خلال یک دوره زمانی معین که رو شهای اجرا و ارزیابی و نیز منابع مورد نیاز برای تحقق سیاست ها و اهداف در آن پیش بینی شده است. به همین قیاس، برنامه ریزی آموزشی فرآیندی است که طبق آن «برنامه آموزشی» تهیه و تدوین شده است. (محسن پور، ۱۳۸۲، ص ۶)

برخی متخصصین معتقدند برنامه ریزی آموزشی شامل کلیه مراحل طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه آموزشی می باشد. ولی بعضی دیگر بر این باورند که در هر سطحی و در هر زمینه علمی، برنامه آموزشی با توجه به نیازها، شرایط و امکانات موجود و در

ارتباط با سایر برنامه‌های مرتبط (ولی مستقل)، شامل محتوای فعالیت‌های آموزشی و یا درسی، می‌باشد. در چارچوب این نگرش، برنامه آموزشی از چهار فرایند برنامه ریزی آموزشی، برنامه ریزی درسی، برنامه ریزی اجرایی و برنامه ریزی ارزشیابی و اصلاح برنامه آموزشی تشکیل شده است. در فرایند اول، طراحی عناوین و سرفصل‌ها و گزینش دوره‌های آموزشی مورد نیاز یادگیرندگان و در فرایند دوم، محتوای دروس هر یک از دوره‌های آموزشی تدوین می‌گردد. در سومین فرایند، چگونگی اجرای دوره با توجه به امکانات و محدودیت‌ها و در آخرین فرایند، ارزشیابی کلیه فعالیت‌های آموزشی و درسی انجام شده طی سه فرایند قبلی و اصلاح برنامه آموزشی برای افزایش کارایی برنامه در آینده، صورت می‌پذیرد. (حاجی میررحیمی، ۱۳۸۶، ص ۵۷-۵۶)

معمولاً برنامه‌ها را بر اساس ملاک‌های مختلفی مانند دیدگاه اقتصادی (آزاد، مختلط، سوسیالیستی)، جامعیت (جامع و محدود)، سطح برنامه (کلان، بخشی، خرد) و مدت تقسیم بندی می‌کنند. این برنامه‌ها بر مبنای زمان اجرایی که برای آنها در نظر گرفته می‌شود، به سه دسته، دسته بندی می‌کنند؛ الف- برنامه ریزی کوتاه مدت: یک دوره یک ساله؛ ب- برنامه ریزی میان مدت دوره ۴-۷ ساله؛ ج- برنامه ریزی درازمدت: یک دوره ۱۰-۲۰-۲۵. البته این تفکیک چندان دقیق نیست و بهتر آن است که برای تشخیص یک دوره ی برنامه ریزی، به اهداف، سیاست‌ها و خط مشی‌های آن توجه کرد. بر این اساس باید گفت:

- هدف برنامه ریزی کوتاه مدت، حفظ تعادل وضع عمومی اقتصاد بوده و بیشتر به وسیله ی سیاست‌های مالی هدایت می‌شود. برای مثال بودجه‌های اقتصادی سالیانه نمونه‌های از برنامه ریزی کوتاه مدت هستند.
 - در برنامه ریزی میان مدت، سعی در جهت مطالعه در شرایط توسعه ی اقتصادی است. بدین منظور تکنولوژی و رفتارهای اجتماعی نسبتاً ثابت فرض می‌شود و برنامه‌ای برای سرمایه گذاری‌ها تنظیم می‌شود. برنامه‌های عمرانی قبل و یا توسعه بعد از انقلاب ایران از این دست هستند.
 - برنامه ریزی دراز مدت، امکان تغییرات مهم فنی یا روانی را هدف قرار می‌دهد. مانند سند چشم انداز ۲۰ ساله ی جمهوری اسلامی ایران. (یزدانی زازرانی، ۱۳۹۰، صص ۱۸۵-۱۸۴)
- در دومین کتابی که حاوی ۵۴ مقاله در مورد نظام‌های آموزشی نوین توسط شعبه اروپایی مؤسسه مطالعات قرن ۲۱ مستقر در سوئد منتشر شد، آمده است :

- ❖ اهمیت دادن به کارهای جمعی و گروهی که توسط افراد بومی انجام می‌پذیرند؛
- ❖ پشتیبانی وسیع مالی از طریق نهادهای مختلف که می‌تواند استمرار تأمین مالی را تضمین کند؛
- ❖ جلب مشارکت وسیع که بتواند معرف نقطه نظرات همه گروه‌ها باشد؛
- ❖ دربرگیری تمامی بخش‌های کلیدی و توجه ویژه به روابط بین آنها که در آینده نقش مهمی خواهند داشت؛
- ❖ مطالعه چشم اندازهای درازمدت به جای توجه به مسائل کوتاه مدت؛
- ❖ مطالعه روابط متقابل بین کشورهای جهان در همه زمینه‌ها؛
- ❖ بررسی راهبردهای پایدار از نظر اقتصادی اجتماعی و زیست محیطی؛
- ❖ بررسی و مطالعه مقوله‌های اخلاقی، فلسفی و سیاسی و ارزشیابی کیفیت نهادهای ملی برای پرداختن به آنها؛
- ❖ شفاف کردن هدف‌های تحقیق و برگزیدن شیوه‌های مناسب علمی؛
- ❖ بررسی چگونگی کاربری نتایج به دست آمده از تحقیقات به ترتیبی که توجه عموم را برانگیزاند و به بهبود سیاستگذاری‌ها و اقدامات عملی منجر شود و موضوعات دیگری از قبیل: هدایت اجتماعی، تغییرات محیط سیاسی، الگوهای اقتصادی وابسته به هم، تقاضاهای اجتماعی در کشورهای در حال توسعه، تغییر در فرهنگ، محیط زیست و فناوری. علاوه بر اینها به اندیشه‌های چاره جویانه برخی از کشورها در رابطه با مسائل فوق اشاره می‌کند که نشاندهنده ضرورت توجه به برنامه ریزی آموزشی جهت تحول در نظام‌های آموزشی نوین است. (صبور ی خسروشاهی، ۱۳۸۹، صص ۱۶۳-۱۶۲)

برنامه ریزی جهت آموزش (برنامه آموزشی) نوعی سرمایه گذاری مفید و یک عامل کلیدی در توسعه محسوب می شود که چنانچه به درستی و شایستگی برنامه ریزی و اجرا شود می تواند بازده اقتصادی قابل ملاحظه ای داشته باشد. (اخباری آزاد، ۱۳۸۸، ص ۱۲)

بنابراین می توان گفت مهمترین نفع برنامه ریزی آموزشی آن است که کمک می کند با بهره گیری از روشهای منظم تر، معقول تر و منطقی تر، نیازهای واقعی آموزشی در حوزه های مختلف انتخاب گردد و بدین گونه بهترین متدولوژی آموزش را برگزید. (دارایی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۱۱)

۴- فرآیند برنامه ریزی آموزشی

در فرآیند برنامه ریزی قبل از هر اقدامی باید هدفهای آموزشی برای توسعه آموزش از نظر کمی و کیفی، در طول زمان مورد نظر بعنوان نخستین مرحله تدوین شود یعنی اهدافی که در جریان اجرای یک برنامه آموزشی می خواهیم بدان دست یابیم مشخص گردد سپس منابع مورد نیاز برای تحقق بخشیدن به هدفهای آموزشی تعیین شود و این مرحله شامل پیش بینی منابع آموزشی، امکانات آموزشی، اقتصادی و مالی مورد نیاز برای اجرای یک برنامه است که بدون در نظر گرفتن آن تحقق اهداف آموزشی میسر و ممکن نخواهد بود. تعیین منابع مورد نیاز در برنامه آموزشی نیز همانند اهداف از دو جنبه کمی و کیفی برخوردار است. تعیین منابع در واقع آزمون تلخی است که برای سنجش میزان واقع بینانه بودن مرحله نخست تدوین اهداف برنامه های آموزشی. اگر تعداد نیروهای انسانی مورد نیاز، امکانات آموزشی و میزان بودجه مورد نیاز تخصیص و تامین نگردد تمام معادلات و محاسبات را مختل خواهد کرد برای رسیدن به برنامه ریزی معقول در فرآیند برنامه ریزی که در مرحله بعدی قرار دارد تعیین اولویت و نیازهای لازم برای اجرا یک برنامه می باشد تا براساس آن سیاستگذاری و طراحی صورت گیرد و راهبردهای اجرایی پیشنهاد گردد بعد از این مرحله، مرحله ح اساس اجرایی و پیاده کردن اهداف سیاستها خواهد بود. در فرآیند برنامه ریزی آموزشی موفق میزان درهم تنیدگی مراحل و سایر عوامل سازمانی ارتباط مستقیمی دارد و جز لاینفک توسعه و پیشرفت سازمانی است. بعد از اجرا در مرحله آخر برنامه های آموزشی و شاید مهمترین این مراحل ارزشیابی و ارزیابی مراحل و جمع بندی و گرد آوری آمار و اطلاعات برای بهبودی و وضعیت موجود می باشد البته نباید تلقی کرد که که ارزشیابی بعنوان آخرین مرحله ارزش کمتری دارد بلکه باید این امر در پایان تمام مراحل و بصورت موردی صورت گرفته تا کم و کاست برنامه ریزی مشخص گردیده و نقاط قوت و ضعف آن مشخص گردد و در این خصوص سیاستهای لازم اتخاذ گردد در اینجا است که زنجیره برنامه ریزی آموزشی به ارزشیابی آموزشی منتهی می شود. در واقع فرآیند برنامه ریزی محصول برقراری تعامل و ارتباط بین وضع مطلوب آموزشی و وضع موجود در نظام آموزشی بوده که برنامه ریزان آموزشی باید در فرآیند برنامه ریزی این تعامل و تعادل را در تمام مراحل برقرار نمایند. (محسن پور، ۱۳۹۳، ص ۱۲)

رابرت ماگر^{۱۲} سه عنصر خاص را در برنامه ریزی آموزشی بیان می کند: عملکرد خاص مورد انتظار، شرایطی که تحت آن عملکرد مورد انتظار است، حداقل سطح قابل قبول عملکرد. (اکبری الکه و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۸)

۵- ارتباط نظام آموزشی و توسعه

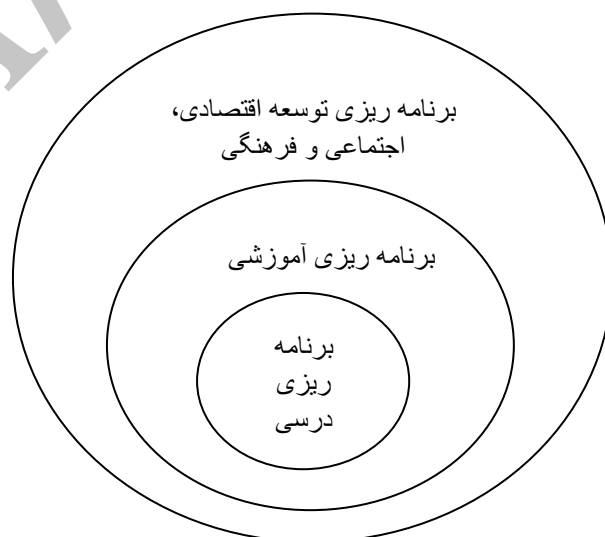
از نظر جامعه شناختی، رابطه نظام آموزشی با توسعه از آن جهت قابل بررسی است که توسعه واقعیتی است فراهم آمده از مجموعه کنش های عقلانی و منطقی افراد جامعه و در این میان آموزش عامل بسیار مهمی است که به وسیله آن می توان به عقلانی کردن اعمال و بهینه کردن رفتار انسان ها پرداخت و از دستاوردهای علمی و فرهنگی بشر در طول تاریخ استفاده کرد. همچنین در این ارتباط باید به ساختار آموزشی و نوع نظام های آموزشی نیز توجه کرد، نظام آموزشی در هر کشور می تواند تأثیر قابل توجهی بر بازدهی آموزشی آن کشور داشته باشد؛ چرا که این نظام ها با به کارگیری برنامه، اهداف، اصول و سیاست های

آموزشی مختلف، تأثیر متفاوتی از خود به جای می گذارند. بدین ترتیب نظام آموزشی کارآمد، مهمترین عامل در رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است و سطوح مختلف توسعه نیز به نوبه خود منجر به توسعه نظام آموزشی می گردد. (فاطمی امین و فولادبان، ۱۳۸۸، ص ۱۰۴)

شواهد جهانی نیز حاکی از آن است که آموزش در نوین سازی عرصه های رفتاری، نگرشی، برنامه ای، روش و بهبود کیفیت زندگی انسانی نقش مهمی را ایفا می کند. برنامه ریزی آموزشی از طریق ایفای نقش در بازدهی سرمایه انسانی، نوین سازی نگرش ها، ملت سازی، بهبود جامعه پذیری افراد، افزایش مشارکت و اداره امور و افزایش کیفیت زندگی، فرایند توسعه را در کشورها تسهیل می کند. (ظهیره وند، ۱۳۸۵، ص ۱۵۱-۱۵۰)

۶- ارتباط میان برنامه ریزی آموزشی، برنامه ریزی درسی و برنامه ریزی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی :

هر یک از این سه نوع برنامه ریزی حوزه ی عمل مشخص دارند و قلمرو فعالیت آنها با هم متفاوت است. هنگامی که برنامه ریزان توسعه، انتظارات اجتماعی، آرمان های دینی و فرهنگی و نیازهای بخش های اقتصادی به نیروی انسانی ماهر را برای یک برهه ی زمانی خاص و در قالب برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مشخص می کنند. برنامه ریزان آموزشی نیز تا آنجا که به نظام آموزشی مربوط می شود، این انتظارات، آرمان ها و نیازها را در قالب اهداف آموزشی ترجمه و بیان می کنند. آنگاه برای تحقق این اهداف، به برآورد منابع مادی و انسانی دست می زنند و با به کارگیری خط مشی های مناسب و بهره گیری از منابع مادی و انسانی، راه وصول به اهداف مورد نظر را هموار می کنند. برنامه ریزان درسی نیز با الهام از این انتظارات و آرمان ها و نیارهای جامعه و با توجه به اهداف نظام آموزشی به تدوین دانش ها و مهارت ها و نگرش هایی اقدام می کنند که قرار است دانش آموزان و دانشجویان کسب کنند. پس کل جامعه را می توان حوزه ی کار و قلمرو فعالیت برنامه ریزان توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی به شمار آورد. (محسن پور، ۱۳۸۸، ص ۱۹-۱۸)



نمودار ۲: قلمرو برنامه ریزی و توسعه

محور اصلی در فرایند توسعه هر کشوری نظام آموزشی می باشد. اصولاً نظام آموزشی موتور محرکه توسعه همه جانبه جامعه بوده و هست، چرا که نظام آموزشی در جامعه در حال دگرگونی، تغییر و تحول و نوگرایی، آگاهانه در راستای رشد استعدادها و اصلاح و تغییر رفتار در انسانهاست. در دنیای امروز، برونداد نظام آموزشی هر کشور متأثر از تحولات و ویژگی های درونی این نظام و نیز متأثر از عملکرد و نحوه تعاملات نظام های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه است و همزمان می تواند بر آنها تأثیر بگذارد و کارکرد این نظام های آموزشی، تبدیل از سانهای مستعد به از سانهایی سالم، بالنده، متعادل، خالق و متفکر است (فاطمی امین و فولادیان، ۱۳۸۸، ص ۱۲۵).

بنابراین، برنامه های توسعه در هر کشور (که در ایران قبل از انقلاب در دوره های ۷ ساله و بعد از آن در دوره های ۴ ساله ترسیم شده اند) در سطحی خاص از برنامه ریزی قرار دارند که تنها در کنار سایر قوانین و برنامه های کشور عینیت می یابد. به بیان بهتر برنامه های توسعه در سطحی میانی قرار دارند. یعنی از یک سو باید سایه ی قوانین بالادستی یک کشور (مثل سند چشم انداز و سیاست های کلی) در آن حضور داشته باشد و از سوی دیگر باید بتواند قوانین پایین دستی را ساماندهی و نظم بدهد، تا از این طریق اهداف کلی مطرح در اسناد بالادستی به درستی حاصل شوند. لذا باید گفت برنامه های توسعه به لحاظ محتوا باید در سطحی باشند که بتوانند سیاست های کلی مطرح در استراتژی کلان هر کشور را به سیاست های میانی تفسیر کند، تا راه برای سیاست های اجرایی و جزیی در مسیر مورد نظر هموار شود (شکل شماره ۱). (یزدانی زازرانی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۸-۱۷۷)



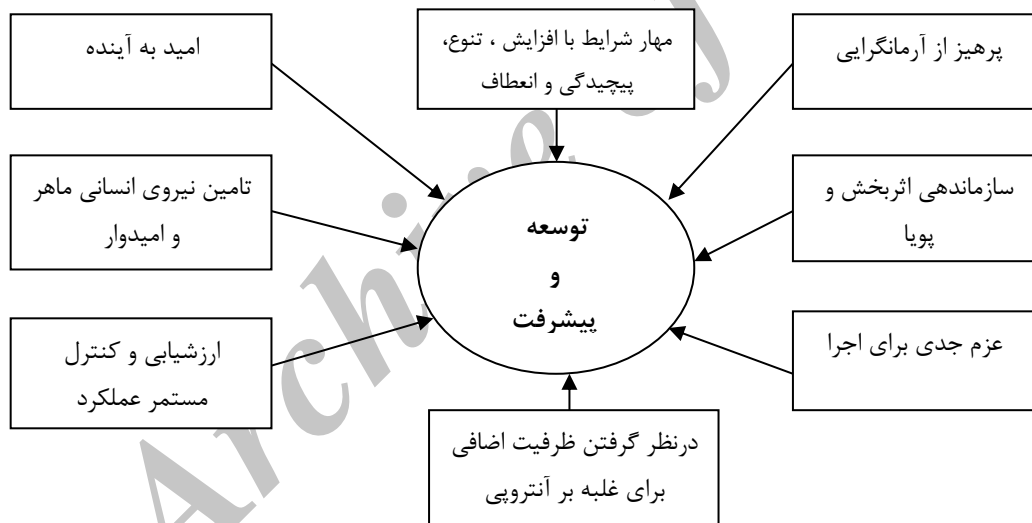
شکل شماره ۱: ارتباط میان برنامه های توسعه با اسناد بالادست و پایین دست. (یزدانی زازرانی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۸)

۷- نقش برنامه ریزی آموزشی در تحقق برنامه های توسعه کشور با تاکید بر نظام آموزشی

برنامه ریزی آموزشی، با برنامه ریزی برای ایجاد یک واحد تولیدی یا تاسیس کارخانه صنعتی کاملاً متفاوت است. چراکه برنامه ریزی آموزشی، باید شناخت دقیقی در چارچوب نظام کلان (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) که نظام آموزشی در آن به عنوان یک زیر نظام عمل می کند، انجام پذیرد. برنامه ریزی آموزشی واقع بینانه و مشارکتی لازم است پیش بایسته هایی در نظر گرفته شود و سیاست گذاران و دست اندرکاران امور عمران و آموزشی کشور باید بر آنها واقف بوده و اتفاق نظر داشته باشند. نظام آموزشی یک مجموعه پیچیده است که در آن اجزا متشکله و زیر نظام ها به گونه ای سازمان یافته است تا در اثر تعامل مداوم، هدف های از پیش تعیین شده را تحقق بخشد. برنامه ریزی آموزشی پیوسته باید به این اصل توجه داشته باشد که بررسی هر یک از مسایل مبتلا به نظام آموزشی مانند معلم، افت تحصیلی در دوره ابتدایی و متوسطه، ساختمان های مدارس، بودجه و غیره به تنهایی

و بدون در نظر گرفتن تعامل با کل نظام آموزشی، تلاشی بی حاصل خواهد بود. البته بعضی از دلایل نیز مانع تحقق اهداف نظام آموزشی می شود. به عنوان مثال اگر برخی از زیر نظام ها به درستی کار نکنند مثلا برنامه های تربیت معلم قادر به تربیت تعداد کافی معلم مورد نظر نباشد و یا اجزا نظام متناسب با وظایف و اهداف نظام نباشد، با توجه به موارد ذکر شده و عوامل دیگر برنامه ریزی آموزشی باید از طریق تجزیه و تحلیل دقیق علل پیدایش کاستی ها را بیابد و برای اصلاح آنها پیشنهادات مناسب ارائه دهد. بنابراین نظام آموزشی با پویایی خود می توان در آرمان های افراد، انتظارات گروه ها و نهادهای اجتماعی نیز تحول ایجاد نماید. بدین جهت ضروری است که برنامه ریزی، مدیریت و کنترل نظام آموزشی به عنوان یک رابط سیاسی بین سیاست گذاران و مجریان نظام آموزشی محسوب می شود. (بنیسی و همکاران، ۱۳۹۲، صص ۹۳-۹۲)

برنامه های توسعه، به دنبال ایجاد تغییر در ساختارها و نهاد های یک جامعه برای رسیدن به اهداف عالی و چندگانه در حوزه های اقتصادی- اجتماعی و علمی و فرهنگی است. برنامه ریزی آموزشی و توسعه فرایند پیچیده ای است که متضمن انتخاب اهداف اجتماعی، تعیین هدف های کمی، اشاعه و انتشار اطلاعات و همچنین سازماندهی چارچوبی برای اجرا، هماهنگی و نظارت بر فرایند برنامه ریزی در کل نظام آموزشی است. در این فرایند، سازمانها و کارگزاران متعددی در زمینه تهیه و تدوین و اجرای سیاستها و خط مشی های اقتصادی، اجتماعی و به صورت عام توسعه ای در تعامل و کنش متقابل هستند. سیاستگذاران، برنامه ریزان، آمارشناسان و پژوهشگران و مردم از جمله عاملان اصلی فرایند برنامه ریزی برای توسعه به شمار می روند. (محمودی و ماجد، ۱۳۹۱، ص ۶۸)



نمودار ۳- عوامل موثر بر استمرار توسعه و پیشرفت. (پورعزت، ۱۳۹۴، ص ۱۰)

بنابراین، برنامه ریزی ابزاری است در خدمت توسعه. هرگاه توسعه به مثابه هدف در نظر گرفته شود، برنامه ریزی در مقام نوعی فرایند و عمل، به سازوکار و ابزاری برای تحقق توسعه منجر می شود. (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴)

در این راستا به نظر می رسد موارد زیر می تواند بستر ساز توسعه برنامه ریزی توسعه در نظام آموزشی بخصوص آموزش عالی و بهره مندی از مزایا و نتایج مثبت و غیرقابل انکار آن واقع شود:

- ❖ توسعه بعد مفهومی برنامه ریزی توسعه نظام آموزشی و ایجاد پنداره مناسب در این باره در مدیران سطوح مختلف نظام آموزشی.
- ❖ غیرمتمرکز کردن برنامه ریزی توسعه نظام آموزشی در سطح کشور.

- ❖ تفویض اختیار بیشتر به مدیران میانی نظام آموزشی ها در زمینه برنامه ریزی توسعه آموزش و پژوهش.
 - ❖ ارزشیابی نظام آموزشی بر اساس عملکرد، واگذاری اعتبار و تخصیص بودجه و سایر سیستم های حمایتی از آن در سطح ملی. (یمنی دوزی سرخابی و ترک زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۷)
- اما نکته ی اصلی در دستیابی به این شاخص ها و شرایط مساعد (توسعه) آن است که، نیازمند برنامه ریزی است. به بیان بهتر، بعد از ایجاد احساس نیاز به تغییر و گذار از وضعیت گذشته، گام مهم بعدی، اتخاذ و اجرای یک برنامه ی جامع در این زمینه است. از همین رو ست که از چندین دهه ی پیش، کشورهای رو به رشد با رسیدن به این نتیجه که عمران توسعه بدون نظم بخشی و بدون هدف و برنامه امکان پذیر نیست، به اجرای برنامه های ۴، ۵ یا هفت ساله، روی آورده اند. (یزدانی زازرانی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۲)

۸- چالش های توسعه و پیشرفت

- چالش های توسعه و پیشرفت جوامع، فضایی مملو از بازیگرانی است که با انگیزه های گوناگون وارد این عرصه شده، در روند توسعه و پیشرفت خود، پیشرفت اجتماعی را سبب سازی می شوند. به ویژه آنگاه که به جهت ناکامی های مکرر، سابقه تلاشهای توسعه، مملو از تجربه های شکست و فاقد تجربه های پیروزی باشد. چنین شرایطی، نوعی ناامیدی و گسیختگی روحی مستمر را به آحاد جامعه و به ویژه، به کارگزاران امور توسعه تحمیل می کند؛ به طوری که گویا مجال موفقیت را از آنها سلب می نماید. بدین ترتیب، آحاد جامعه و به ویژه دست اندرکاران توسعه، دچار نوعی "درماندگی آموخته شده" می شوند و از تلاش برای غلبه بر چالش ها باز می مانند. مهمترین دلایل شکست برنامه های توسعه کشور را می توان به شرح زیر فهرست کرد:
- ❖ ضعف قدرت پیش بینی با طراحی برنامه های انعطاف ناپذیر، فاقد تنوع، فاقد پیچیدگی و بی ثبات؛
 - ❖ آرمان گرایی و عدم توجه به واقعیت ها در زمان برنامه ریزی؛
 - ❖ فقدان نیروی انسانی ماهر و امیدوار، برای مواجهه با موقعیت های پیش بینی نشده؛
 - ❖ عدم توجه به ضرورت در نظر گرفتن مجال و ظرفیت اضافی، برای افزایش ابتکار عمل در مواجهه با انواع پیشامدها و اضطرارها؛
 - ❖ ضعف در سازماندهی و بسیج نیروها و ظرفیت ها، برای غلبه بر چالش های گوناگون؛
 - ❖ فقدان جدیت و عزم کافی برای اجرا، به جهت پذیرش درماندگی آموخته شده؛
 - ❖ فقدان سازوکارهای کنترل و اصلاح در جریان اجرا و ضعف در ارزشیابی عملکرد؛
- بنابراین، می توان دلایل اصلی شکست برنامه های توسعه ایران را در ضعف در برنامه ریزی، آموزش، ابتکار عمل، سازماندهی، عزم جدی و فقدان سازو کارهای کنترل و تمایل به آرمان گرایی دانست. (پورعزت، ۱۳۹۴، صص ۴-۲)

۹- راهکارهای استفاده از برنامه ریزی آموزشی برای توسعه در نظام آموزشی

- ❖ نظام کنترل و نظام ارزیابی تدوین شود و قبل از برنامه ریزی، کار خود را با نظارت بر تهیه گزارش عملکرد و تبیین وضع موجود آغاز کند.
- ❖ نظام برنامه ریزی توسعه در نظام آموزشی به نحوی تهیه و تنظیم شود که امکانات لازم برای حضور تمامی سطوح مدیریتی و آموزشی و نهادهای ذی ربط دولتی و غیر دولتی برای مشارکت در برنامه ریزی توسعه فراهم شود تا در عمل و اجرا برنامه های توسعه حمایت و پشتیبانی شوند.
- ❖ اهداف بلند مدت و استراتژیک کشور و ابعاد توسعه به صورت شفاف تعریف و در اختیار تمامی برنامه ریزان و مدیران اجرایی و سیاست گذاران کشور قرار گیرد تا تمامی افراد در سطوح مختلف سیاست گذاری و برنامه ریزی و اجرایی، هم سویی های لازم را با آن داشته باشد.

- ❖ اصلاح ذهنیت (گزین از برنامه) مدیران نظام آموزشی برای اینکه برنامه‌های توسعه به درستی پیاده و عملی شود لازم است مدیران مانند هر مدیر علمی موفق، برنامه، برنامه ریزی و وفاداری به برنامه را از الزامات مدیریت خود بدانند.
- ❖ سازماندهی نیروی انسانی و مدیریت منابع انسانی در نظام آموزشی از مهمترین و ظریف ترین اقدامات در نظام آموزشی است. زیرا نظام آموزشی بدون معلم و استاد با انگیزه و غرق در حسرت، مانند سربازی است که بدون اسلحه به جنگ می رود. قبل از هرگونه برنامه ریزی توسعه، باید به آن توجه شود.
- ❖ اهمیت دادن به نظام برنامه ریزی در سی: برنامه‌های توسعه فقط اهداف کمی نیستند، بلکه کیفیت فراتر از اهداف کمی مورد توجه است. اهداف کیفی نیز از طریق آموزش ضمن خدمت، پر محتوا کردن کتب، ساخت و پرورش نهادهایی که افکار جدیدی را شکل می دهند و از آن پاسداری می کنند و غیره سز چشمه می گیرد. به عنوان مثال تغیی محتوای کتبدر سی با نیازهای زمان حاضر و آینده مردم مطابقت داشته باشد و مهارت های زندگی به فراگیران یاددادن و چگونه یاد گرفتن و چگونه زیستن و ... را آموزش دهد.
- ❖ افزایش و گسترش مشارکت مردم با نظام آموزشی و توزیع عادلانه امکانات آموزشی در کشور جهت بروز استعدادهای فراگیران در سراسر کشور. (بنیسی و همکاران، ۱۳۹۲، صص ۹۷-۹۵)

نتیجه گیری و پیشنهادات

برنامه‌های توسعه ملی ارتباط بسیار نزدیکی با برنامه ریزی آموزشی دارند به طوری که می توان گفت این دو مقوله لازم و ملزوم یکدیگرند یا به نوعی تکمیل کننده همدیگر. در این مقاله سعی کرده ایم تا ضمن بررسی مفهوم توسعه و ابعاد آن، به نقش نظام برنامه ریزی آموزشی و برنامه‌های توسعه پردازیم، نظام آموزشی پیشرفته به عنوان نهاد فرهنگی - اجتماعی، نقش اساسی و سرنوشت ساز در تربیت نیروی انسانی و تولید سرمایه اجتماعی و فرهنگی در فرایند توسعه کشور ایفاء می کند به گونه ای که آینده کشور را می توان در سیمای نظام آموزشی مشاهده کرد. نظام آموزشی هم از طریق کارکرد فرهنگ پذیری و جامعه پذیری و هم از طریق ارتقاء و پرورش قلب توسعه ملی است. و می توان به واقع بیان داشت که توسعه ملی با توسعه نظام آموزشی ارتباط همه جانبه دارد. برای ایجاد انسجام سیستم نظام آموزشی و برنامه‌های توسعه ملی باید مؤلفه‌های توسعه را با برنامه‌های نظام آموزشی تلفیق کرد تا با برقراری یک توازن و هماهنگی بین مؤلفه‌های مختلف آن بسترهای لازم برای حرکت در مسیر توسعه فراهم آید. با توجه به یافته‌های تحقیق پیشنهاداتی ارائه می گردد:

- با توجه به عدم قطعیت و تغییرات گسترده در جامعه، لازم است مدیران و برنامه ریزان با جمع آوری اطلاعات، متناسب با تمام پتانسیل ها و ظرفیت های موجود در آن به برنامه ریزی پردازند؛
- مسئولان و تصمیم گیران درگیر در نظام آموزشی به هماهنگی بین واحدهای سازمانی مسؤول طراحی و اجرای برنامه های آموزشی و همچنین به فراهم سازی فرصت بروز خلاقیت در افراد درگیر در برنامه ریزی آموزشی برای توسعه پردازند.
- ایجاد نگرش تحولی به نظام آموزشی و ایجاد ارتباط منطقی بین همه ابعاد توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی
- بازنگری برنامه ها و پی بردن به نقاط قوت، ضعف ها و کاستی ها و استفاده بهتر از قوت ها و کاهش ضعف ها برآییم.
- توجه به آینده و توجه به تغییرات نیاز بازار کار در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری ها
- مسؤولین و دست اندرکاران نظام آموزشی از پیش به جلب حمایت های دولتی و خصوصی لازم برای اجرای برنامه پردازند تا در موقع اجرای برنامه ها دچار مشکلاتی از قبیل بودجه و مشکلات قانونی نشوند.

مراجع

- اخباری آزاد، مهناز، (۱۳۸۸)، بررسی میزان هم سوئی برنامه درسی رشته برنامه ریزی درسی مقطع کارشناسی ارشد با نیازهای آموزشی متصدیان برنامه ریزی درسی در وزارت آموزش و پرورش به منظور ارائه راهکار مناسب، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- اطاعت، جواد و شجاعی نسب، عبدالرضا، (۱۳۹۲)، سنجش شاخصهای توسعه یافتگی در استانهای کشور طی سالهای ۱۳۸۳-۱۳۸۸، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، سال سوم، شماره ۱۲، ص ۱۱-۲۰.
- اکبرپور شیرازی، محسن، (۱۳۸۸)، طراحی منظر تطبیقی رکن اساسی در برنامه ریزی بلندمدت، چهارمین کنفرانس بین المللی مدیریت استراتژیک، تهران.
- اکبری الکه، مریم و کریمی مونقی، حسین و ایزانلو، عذرا، (۱۳۹۰)، برنامه ریزی آموزشی با الگوی بازگشت سرمایه در آموزش پزشکی، مجله افق توسعه آموزش پزشکی، دوره ۴، شماره ۳، ص ۳۱-۲۷.
- امیر شقاقی، شاهین، (۱۳۹۴)، اصول توسعه تعالی، از شاخص های بینادین حوزه مادی، معنوی و فرهنگی تا چشم انداز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، چهارمین کنفرانس الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت، تهران، ۲۲-۱.
- بحرینی بروجنی، مجید و نصر، احمدرضا و نیکخواه، محمد و سپهری، کبری و امرایی، ساسان، (۱۳۹۱)، بررسی عوامل مؤثر بر عدم بکارگیری دانش آموختگان رشته مدیریت و برنامه ریزی آموزشی استان چهارمحال و بختیاری در پستهای تخصصی و مدیریتی، دو فصلنامه مطالعات برنامه ریزی آموزشی، سال اول، شماره اول، ص ۵۳-۳۳.
- بنیسی، پریناز و ملک شاهی، علیرضا و دلفان آذری، قنبرعلی، (۱۳۹۲)، مبانی برنامه ریزی آموزشی در هزاره، انتشارات آوای نور، چاپ دوم، تهران.
- پورعزت، علی اصغر، (۱۳۹۴)، توسعه سیستم برنامه ریزی راهبردی عصر مدار برای مواجهه اثربخش و کارآمد با چالشهای پیش روی کشور، چهارمین کنفرانس الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت، تهران، ۲۵-۱.
- جعفری، ابراهیم و نوروزی، رضا علی، (۱۳۸۳)، تحلیلی بر چشم انداز تفکر در برنامه ریزی آموزشی، فصلنامه دانش و پژوهش در علوم تربیتی، شماره اول، اصفهان، صص ۱۲۵-۱۱۱.
- حاجی میرحیمی، داود، (۱۳۸۶)، بررسی مؤلفه های برنامه ریزی آموزشی در نظام آموزش ضمن خدمت کوتاه مدت کارکنان وزارت جهاد کشاورزی، فصلنامه پژوهش و سازندگی در زراعت و باغبانی، شماره ۷۷، ص ۷۱-۵۵.
- دارابی، سلمان و نیستانی، محمدرضا و میرزایی، فرهاد، (۱۳۹۲)، بررسی مقایسه ای میزان کاربست مؤلفه های برنامه ریزی استراتژیک در (توسعه پایدار) آموزش و پرورش شهرهای اصفهان و کرمانشاه، دو فصلنامه مطالعات برنامه ریزی آموزشی، سال دوم، شماره چهارم، صص ۱۳۶-۱۰۱.
- زاهدی، محمدجواد و غفاری، غلامرضا و ابراهیمی لویه، عادل، (۱۳۹۱)، کاستی های نظری برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران، فصلنامه پژوهش های روستایی، سال سوم، شماره چهارم، صص ۲۴-۱.
- ظهیره وند، راضیه، (۱۳۸۵)، تحقق آموزش و پرورش حساس به جنسیت، در برنامه ریزی آموزشی دوره آموزش عمومی، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۸۷، ص ۱۷۴-۱۴۷.
- سلطانی، امید، (۱۳۹۰)، ارزیابی رابطه برنامه ریزی راهبردی با انعطاف پذیری موسسات آموزش عالی مطالعه موردی دانشگاه شهیدبهبشتی، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شیرزادی، رضا، (۱۳۸۹)، برنامه های توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۱۱، صص ۴۳-۲۹.
- شیرزادی، رضا و سخایی، الهام، (۱۳۹۰)، جهانی شدن و برنامه ریزی توسعه در ایران (۱۳۶۸-۱۳۹۰)، فصلنامه مطالعات سیاسی سال سوم، شماره ۱۲، صص ۱۹۸-۱۷۵.

- صبوری خسروشاهی، حبیب، (۱۳۸۹)، آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن؛ چالشها و راهبردهای مواجهه با آن، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، سال اول، شماره اول، صص ۱۹۶-۱۵۳.
- علامه، حسین، (۱۳۸۹)، برنامه ریزی استراتژیک شرکت مدیریت تولید برق اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان البرز.
- فاطمی امین، زینب و فولادیان، مجید، (۱۳۸۸)، نظام آموزشی و بازدهی آموزشی مطالعه تطبیقی ۷۰ کشور جهان، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره هفتم، صص ۱۳۰-۱۰۳.
- فیوضات، یحیی، (۱۳۸۸)، مبانی برنامه ریزی آموزشی، نشر ویرایش، تهران.
- کاظمی، عباس، (۱۳۹۰)، بررسی اثرات سیاست های پولی و مالی دولت بر بهره وری و بازدهی آموزشی آموزش و پرورش، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه پیام نور مرکز کرج.
- محسن پور، بهرام، (۱۳۸۲)، مبانی برنامه ریزی آموزشی، انتشارات دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی سمت، تهران.
- محسن پور، بهرام، (۱۳۸۹)، مبانی برنامه ریزی آموزشی، نشر، تهران.
- محمودی، وحید و ماجد، وحید، (۱۳۹۱)، برنامه ریزی توسعه پایدار شهری با رویکرد برنامه ریزی هسته ای پیشنهادی برای برنامه ریزی توسعه پایدار شهری تهران، فصلنامه راهبرد، سال ۲۱، شماره ۴۶، صص ۷۱-۴۲.
- مظاهری، محمدمهدی و محمودزاده، امیر و تقی پور، صدیقه، (۱۳۹۴)، فرصت ها، چالش ها و موانع پیش روی پیشرفت ایران در بیست سال آینده، بانگ روشی ویژه بردیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران با استفاده از تحلیل SWOT، چهارمین کنفرانس الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت، تهران.
- موسوی، ستاره و نظری، حسین و زمانیان، مجتبی، (۱۳۹۳)، نقش برنامه ریزی آموزشی در تربیت شهروند متعهد به فرهنگ ترافیک، فصلنامه مطالعات مدیریت ترافیک، شماره ۳۲، صص ۴۰-۲۱.
- نوروززاده، رضا و شفیع زاده، حمید و روحانی، شادی، (۱۳۹۲)، ارزیابی و تحلیل بخش علم و فناوری قانون برنامه پنجم توسعه از منظر اسناد فرادستی، فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۶۶، صص ۳۱۴-۲۸۵.
- یزدانی زازانی، محمد رضا و نیک مرام، زین العابدین و قصری، اسداله، (۱۳۹۰)، برنامه ریزی توسعه؛ بررسی استراتژی توسعه اقتصادی در برنامه عمرانی پنجم، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره هشتم، صص ۲۰۴-۱۷۵.
- یمنی دوزی سرخابی، محمد و ترک زاده، (۱۳۸۸)، جعفر، بررسی وضعیت برنامه ریزی توسعه دانشگاه های دولتی در ایران، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال اول، شماره ۴، صص ۱۹-۱.
- Agabii, Chiyere O and Ogah, Joseph I (۲۰۱۰) Education and Human Resource Planning In Nigeria: The Case of National Manpower Board (NMB) International Journal of Scientific Research in Education, DECEMBER 2010, Vol. 3(3), pp 152-165.
- Kayode, Asaju & John Kajangσ, Thomas & Felix Anyio, Silas (۲۰۱۳) Human Resource Development and Educational Standard in Nigeria, Global Journals Inc. (USA) , Volume 13 Issue 7 Version 1.0, pp1-6.

The role of educational planning in the realization of national development plans with emphasis on the educational system

Moslem Cherabin

Faculty Member of Islamic Azad University, Nishabur, Iran

Javad Deihim

PhD Student in Educational Administration- Islamic Azad University, Nishabur, Iran

Abstract. By entering into the third millennium, educational systems play an important role in the education and development of human resources, economic, social, cultural and political growth and development. Accordingly, one of the ways by which we can hope to achieve development is proper and systematic planning of resources and especially human resources in each country and efficient use of it. With regard to this fact that the main driven of development is human and first step in development is human capital formation. Therefore, investing in the education system as a determining strategy plays an important role in the economic, social, cultural and political growth and development of societies. Therefore, today we are facing unbreakable bond of educational planning and development programs. This is a Descriptive- Analytical study which aims to examine the role of educational planning in achieving national development programs. The results showed that to provide integrated educational system and national development plans, development components should be integrated with the education system, then with establishing a balance and harmony between its various components, necessary contexts will be provided in the course of development.

Keywords: Planning, educational planning, development, program, educational system.